

طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در

ارتباطات میان فرهنگی قومی

زهرة زندیه*، دکتر هادی خانیکی ✉

چکیده

پژوهش حاضر درصدد طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی بوده است. از این منظر، پس از واکاوی سوابق نظری و تجربی، از روش کیفی و مصاحبه عمیق بهره گرفته شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از دانشجویان اقوام مختلف دانشگاه‌های تهران که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری انتخاب شده بودند؛ به اشباع نظری رسیده است. اطلاعات به‌دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت و مدل مفهومی اندازه‌گیری شبکه‌ای بر ساخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی، متنوع و از سه مقوله فراگیر تأثیرات بین فرهنگی قومی (شامل مضامین سازمان‌یافته: همدلی فرهنگی، پایداری احساسی، ابتکار اجتماعی، انعطاف‌پذیری و گشایش ذهنی)، هویت قومی (شامل عنصر شناختی، عنصر احساسی و عنصر ارزشی) و قوم‌محوری (شامل تعصب قومی، تهدید و کشمکش برون‌قومی و نیز همبستگی درون‌گروهی) بوده است.

کلید واژه‌ها: ارتباطات میان فرهنگی، تأثیرات بین فرهنگی، قومیت، هویت قومی، قوم‌محوری، شبکه‌های اجتماعی مجازی

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی

✉ نویسنده مسئول: دکترای علوم ارتباطات، استاد دانشگاه علامه طباطبائی

Email: hadi.khaniki@gmail.com

پذیرش نهایی: ۹۸/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۰

DOI: 10.22082/CR.2019.103011.1778

مقدمه

تنوع فرهنگی و ارتباطات میان فرهنگی یکی از واقعیت‌های جامعه ایرانی است. وجود اقوام مختلف در درون جامعه ایران، همواره موجبات دادوستدهای فرهنگی و اجتماعی را در طول تاریخ فراهم آورده است چراکه ایران کشوری چندقومی است. در واقع، دوام و استمرار هویت فرهنگ ایرانی در طول تاریخ، مدیون وجود گروه‌های مختلف قومی نظیر کردها، آذری‌ها، لرها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و فارس‌ها بوده است. هنگامی که قومی با قوم یا اقوام دیگر ارتباط برقرار می‌کند، عناصر و فرهنگ‌های آنان در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، فرهنگ‌ها بر فرایند ارتباط تأثیر می‌گذارند. تأثیرات قومیت و فرهنگ بر فرایند ارتباط، با توسل به رویکردهای ارتباط میان فرهنگی قابل فهم است. ارتباط میان فرهنگی در علوم اجتماعی «کنش متقابل فاعلان و کنشگران از فرهنگ‌های مختلف را نشان می‌دهد. این کنشگران می‌توانند فرد یا گروه‌های اجتماعی و سازمان‌ها باشند. ارتباط نژادی و ارتباط بین قومی دو شکل از اشکال ارتباط میان فرهنگی هستند که می‌توانند اسامی خانوادگی، زبان و مذهب و ارزش‌های اعضای خود را، حتی اگر در داخل فرهنگ دیگری باشند، تحت تأثیر قرار دهند» (لاری سامووار و همکاران، ترجمه کیانی و میرحسینی، ۱۳۷۹: ۹۹-۹۸). با ظهور اینترنت، بسیاری از پدیده‌های اجتماعی از جمله ارتباطات میان فرهنگی، هویت و قومیت دچار تغییرات ماهوی بسیاری شده‌اند. آنچه به عنوان واقعیت در محیط اجتماعی این دو پدیده را شکل می‌دهد، در دنیای مجازی شکلی جدید به خود می‌گیرد که هم وامدار دنیای واقعی است و هم به لحاظ ماهوی تغییرات بسیار زیادی با واقعیت پیدا کرده است. رسانه‌های جدید و به خصوص شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، وبلاگ‌ها، مای اسپیس، توییتر، کلپ و... افراد مختلف را از هر گوشه جهان قادر ساخته‌اند تا خود را در فضای مجازی بازنمایی کنند.

«شبکه‌های اجتماعی مفهومی نیست که به پدیده تازه‌ای اشاره داشته باشد. انسان‌ها

از بدو شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ، در شبکه‌های اجتماعی گوناگونی شرکت داشته‌اند. این شبکه‌ها در هر اندازه‌ای به‌مثابه یک ساختار اجتماعی، افراد را در مجموعه‌ای از ارتباطات و تعاملات میان‌فردی درگیر می‌سازند، با توسعه جوامع و گسترش ارتباطات در اجتماعات و جوامع گوناگون، ساختارهای این جوامع و نتایج حاصل از این ساختارها نیز دگرگون شد و به‌سوی پیچیدگی سوق پیدا کرد» (عاملی، ۱۳۸۸: ۲۵). به‌طور کلی، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به دو دسته شبکه‌های مجازی و غیرمجازی تقسیم کرد. شبکه‌های غیرمجازی در واقع شبکه‌هایی هستند که از طریق مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های به‌هم‌پیوسته در محیط اجتماعی عمل می‌کنند. همچنین شبکه‌های مجازی یا شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، وب‌سایت یا مجموعه‌ای از وب‌سایت‌هایی هستند که به کاربران امکان می‌دهند تا علاقمندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر در دنیای مجازی به اشتراک بگذارند (اوبار^۱ و ویلدمن^۲، ۲۰۱۵).

امروزه به نحوی فزاینده، کاربران رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در حال گسترش هستند. به‌طوری که تعداد کل کاربران اینترنت در جهان براساس گزارش سازمان داده‌های آمار^۳ (۲۰۱۷) ۴ میلیارد و ۲۰۸ میلیون نفر محاسبه شده است و این میزان، ۵۵ درصد کل جمعیت جهان را به خود اختصاص می‌دهد. این آمار حاکی از آن است که ۶۷ درصد از مردم جهان، کاربر فعال موبایل و ۸۰ درصد از گوشی‌های مورد استفاده در جهان، گوشی هوشمند^۴ هستند. همچنین براساس آمار این سازمان، ایران با داشتن ۵۶ میلیون و ۷۰۰ هزار کاربر که معادل ۷۰ درصد از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران هستند، مقام سیزدهم تعداد کاربران اینترنتی جهان را به خود اختصاص داده است و جزء بیست و ششمین کشور است که کاربران اینترنتی زیادی دارند. براساس همین آمار، حدود ۳۰ میلیون ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضو هستند. حدود ۴۰ میلیون نفر از ایرانیان در

^۱ Obar

^۲ Wildman

^۳ Internet world Stats

^۴ smartphone

شبکه اجتماعی فیس‌بوک عضویت دارند که بین کشورهای خاورمیانه بالاترین رقم را به خود اختصاص داده است. از آنجا که شبکه‌های اجتماعی دارای امکانات متفاوت و ویژگی‌های گوناگون نظیر امکان ایجاد وبلاگ، آپلود ویدئو، تصاویر و محتوای گوناگون هستند، پژوهشگران می‌توانند فرایند مطالعات خود را در زمینه شناسایی زمینه‌های فرهنگی، قومیت‌ها و نوع تعاملات کاربران با یکدیگر تسهیل کنند.

از سویی، ما با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روبه‌رو هستیم و از سوی دیگر، سازوکارهای جهانی شدن در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و اطلاعاتی در حال وقوع و گسترش است. به این ترتیب «هویت‌های سنتی و ازجمله هویت‌های قومی دستخوش تغییراتی می‌شود. جهانی شدن در دنیای مدرن یکی از اشکال ارتباطات پیچیده است، به این معنی که جهانی شدن شبکه‌ای با سرعت زیاد و تراکم بالا از پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود» (تاملینسون، ترجمه حکیمی، ۱۳۸۱: ۱۴).

درباره تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی، جهانی شدن، هویت قومی و ارتباطات میان فرهنگی نظریات متعددی مطرح شده است، در بعضی از زمینه‌ها همان‌طور که کاستلز^۱ بیان می‌کند: «جهانی شدن و جامعه شبکه‌ای برآمده از آن باعث بازگشت به هویت‌های قومی و مذهبی و تقویت آنها می‌شود و از طرفی دیگر بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه جهانی شدن بر این باور هستند که جهانی شدن باعث ارتقای ارتباطات میان فرهنگی و در نتیجه کمرنگ شدن هویت‌های سنتی و ازجمله هویت‌های قومی می‌شود» (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲)؛ بنابراین، همان‌گونه که زندگی واقعی افراد در چگونگی استفاده آنان از اینترنت بسیار مؤثر است، اینترنت و به‌ویژه مشارکت در اجتماعات مجازی آن نیز به‌طور متقابل قادر است تحت شرایطی بر نحوه ارتباطات میان فرهنگی افراد تأثیر گذارد و تغییراتی در آن ایجاد کند. از این‌رو، آنچه ضرورت پرداختن چنین پژوهش‌هایی را در ایران بیش‌ازپیش ایجاب می‌کند، تنوع قومیتی این کشور و تعاملاتی

طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی ... ❖ ۱۳

است که افراد با قومیت‌های مختلف، از طریق اینترنت و فضای مجازی برقرار می‌کنند. مسئله دیگر این است که اشکال تعارضات، کشمکش‌ها و هم‌نوایی‌های قومی، در فضای واقعی و فضای مجازی متفاوت‌اند و آنچه به شکل فیزیکی و واقعی در فضای غیرمجازی صورت می‌گیرد، تحت تأثیر فضای مجازی تغییر شکل می‌یابد و به صورت نوینی ظهور می‌کند؛ بنابراین انجام پژوهش در این حوزه، برای شناسایی این تغییر شکل‌ها و روندها ضروری است. نتایج پژوهش حاضر، همچنان که در حوزه نظری، به شفافیت ارتباطات میان فرهنگی اقوام در ایران کمک می‌کند، در بعد عملی می‌تواند از سوی سازمان‌ها و مؤسسات، مسئولان سیاستگذاری‌های بین فرهنگی و سیاستگذاری‌های فضای مجازی مورد استفاده قرار گیرد.

هدف از پژوهش این است که به طراحی و ارزیابی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی بپردازد؛ به همین دلیل، پرسش‌های آن عبارت‌اند از: ۱) الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی چگونه است؟ ۲) الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی شامل چه اجزا و عناصری است؟

پیشینه پژوهش

در خصوص ارتباطات بین فرهنگی، بریزلین^۱ و یوشیدا^۲ (۱۹۹۴) در پژوهشی نشان دادند که «برای داشتن ارتباط مؤثر با دیگر فرهنگ‌ها، افراد بایستی به آن فرهنگ‌ها علاقه‌مند باشند و به قدر کافی برای توجه به تفاوت‌های فرهنگی حساس باشند و همچنین مایل به تغییر رفتارشان به‌عنوان نشانه‌ای از احترام برای افرادی از دیگر فرهنگ‌ها باشند. وی این وضعیت را حساسیت بین فرهنگی تعریف کرده است. افراد با حساسیت فرهنگی بالاتر، قوم‌محوری کمتری از خود به نمایش می‌گذارند».

^۱ Brislin

^۲ Yoshida

پژوهش‌های بولونگ^۱ و همکاران (۲۰۰۸) اثبات کرده است که عموماً در اینترنت، تمایل افراد به ایجاد ارتباطات درون قومی بیشتر از ارتباطات برون قومی است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به قوم‌محوری دامن می‌زنند. در سمت مقابل، بانرجی^۲ (۲۰۰۷) در پژوهش خود نشان می‌دهد که قوم‌محوری به دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاهش می‌یابد و به انگیزه‌ای برای تعامل مردم با دیگر فرهنگ‌ها و در نتیجه، ابزاری برای توسعه ارتباطات و دوست‌یابی بین فرهنگی و بین‌المللی در جهان تبدیل می‌شود. همچنین، قوم‌محوری به‌عنوان یکی از عوامل تقلیل‌دهنده ارتباطات دوستی بین فرهنگی در نظر گرفته می‌شود.

پونیا^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی استدلال می‌کند که افزایش تعامل بین قومیت‌ها، همبستگی را نیز افزایش می‌دهد اما همزمان، می‌تواند به کشمکش برون‌گروهی منجر شود چراکه شبکه‌های اجتماعی مجازی به تشدید و توسعه قوم‌محوری در ارتباطات دامن می‌زنند. اندرسن^۴ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی نشان دادند که شناخت و تبادل‌ات فرهنگی موجب از میان رفتن حساسیت‌های منفی فرهنگی می‌شود. آنان در مرحله نخست این پژوهش، سنجه مورد نظر خود را پیش از مسافرت به خارج، در اختیار دانشجویان گذاشتند و دانشجویان به پرسش‌ها پاسخ دادند. سپس چهار هفته منتظر ماندند و پس از بازگشت دانشجویان، بار دیگر، همان سنجه‌ها را در اختیارشان قرار دادند و نتایج را تحلیل کردند. نتایج نشان داد که این سفر و حوادث درون آن باعث بهبود حساسیت بین فرهنگی شده است.

قادرزاده و عبدالله‌زاده (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای بر مبنای مدل نظری شش‌گانه حساسیت‌های بین فرهنگی بنت^۵ «حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران؛

۱ Bolong

۲ Banerjee

۳ Ponniah

۴ Anderson

۵ Bennett

طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی ... ❖ ۱۵

مورد مطالعه اقوام ترک و کرد در شهر قروه» به این نتیجه دست یافتند که حساسیت بین فرهنگی در میان هر دو گروه مورد بررسی وجود دارد اما در میان کردها از شدت بیشتری برخوردار است (۱۹۹۵).

توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی «جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک» پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که لک‌ها با وجود تفاوت‌های فرهنگی متعدد، برخی خصیصه‌های فرهنگی مشترک دارند که به‌طور مشخص بیانگر هویت قومی آنهاست؛ آنها بخش دیگری از هویت فرهنگی خود را به شیوه‌ای عام‌گرایانه بازسازی می‌کنند. یعنی با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر محلی و قدیمی، ترکیب ظریفی از عناصر محلی و جهانی را به‌وجود آورده‌اند؛ تمام عناصر فرهنگی موجود در میان این قوم، از قدرت هویت‌سازی همسانی برخوردار نیستند، عناصری که در درون فرایندهای قدرت، تفاوت و مقاومت قرار می‌گیرند؛ توان هویت‌سازی بالاتری دارند.

عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی «تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان» پرداختند. نتایج نشان داد که بین مدت‌زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک با هویت فرهنگی آنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. همچنین و بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و هویت فرهنگی کاربران نیز رابطه‌ای معنادار مثبت دیده می‌شود؛ یعنی هراندازه مدت‌زمان عضویت، میزان استفاده و میزان فعالیت و مشارکت در فیس‌بوک از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند، هویت فرهنگی آنان ضعیف‌تر می‌شود.

خانیکی و بصیریان جهرمی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی «کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی» پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی در سال‌های اخیر، زمینه کنشگری را بیش از سایر رسانه‌های متأخر فراهم آورده‌اند.

مروری بر سوابق تجربی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که پژوهشگران، متناسب با

موضوع مورد مطالعه خود، به جنبه‌هایی از تأثیرات و تعاملات فضای مجازی (به‌طور عام) و شبکه‌های اجتماعی مجازی (به‌طور خاص) بر نوع کنش‌های اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت قومی، حساسیت‌های بین فرهنگی و قوم‌محوری، توجه داشته‌اند؛ اما هیچ‌کدام به طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی مبادرت نورزیده‌اند. امری که پژوهش حاضر درصدد دستیابی به آن بوده است.

چارچوب نظری پژوهش

شبکه‌ها و نظریه توانش ارتباطاتی در ارتباط با گروه غیرخودی

کیم^۱ (۱۹۸۶) از رویکرد شبکه شخصی برای تبیین توانش ارتباطاتی در ارتباط با گروه غیرخودی استفاده می‌کند. «شبکه‌های شخصی بر پیوند بین افراد تأکید می‌کنند. او چنین استدلال می‌کند که مهم‌ترین جنبه‌های یک شبکه شخصی، اتکای آگاهانه و غیرآگاهانه خود بر اعضای شبکه، به‌منظور جهت درک و تفسیر ویژگی‌ها و اعمال گوناگون دیگران و (خود) است». کیم (۱۹۸۶) در مطالعه خود فرض می‌کند که قرار دادن اعضای گروه غیرخودی در شبکه‌های شخصی افراد و ماهیت پیوند با اعضای گروه غیرخودی، بر توانش ارتباطاتی آنها در ارتباط با گروه غیرخودی تأثیر می‌گذارد.

نظریه مذاکره درباره هویت

گادیکانست^۲ و همکاران (۱۹۹۱) نظریه «مذاکره هویت» خود را با استفاده از نظریه‌های هویت اجتماعی تاجفل^۳ و ترنر^۴ (۱۹۷۹) و مقیاس‌های رشد هویت نژادی هلمز^۵ (۱۹۹۰)، پایه‌ریزی کرده‌اند.

۱ Kim

۲ Gudykunst

۳ Tajfel

۴ Turner

۵ Helms

آنان این گونه استدلال می‌کنند که توانش ارتباطاتی بین فرهنگی؛ فرایند مذاکره مؤثر درباره هویت بین دو تعامل‌گر در یک رویداد ارتباطاتی جدید است. تفاوت‌های فرهنگی بر احساسی که هر فرد از خود دارد، تأثیر می‌گذارند، شناسایی دربردارنده امنیت و آسیب‌پذیری است. تنظیم مرز هویت برای رفتار انگیزه ایجاد می‌کند و متضمن ایجاد تنش بین شمول و تفاوت‌گذاری است» (گادیکانست و همکاران، ۱۹۹۱: ۷۴). گادیکانست بر این باور است که «هرچه خودشناسایی افراد به‌صورت امن‌تری انجام پذیرد، آنان بیشتر پذیرای تعامل با اعضای سایر فرهنگ‌ها خواهند بود. هرچه افراد بیشتر احساس آسیب‌پذیری کنند، دچار اضطراب بیشتری در تعاملات خود خواهند شد. توانایی افراد در مذاکره برای هویت‌ها، تحت تأثیر مدیریت مؤثر دیالکتیک امنیت - آسیب‌پذیری و شمول - تفاوت‌گذاری قرار می‌گیرد. هرچه خودشناسایی افراد به‌صورت امن‌تری انجام پذیرد، انسجام هویتی و عزت نفس کلی آنان بیشتر می‌شود» (گادیکانست و همکاران، ۱۹۹۱: ۱۱۰).

هویت در جامعه شبکه‌ای

جامعه شبکه‌ای را می‌توان «شکلی از جامعه تعریف کرد که به‌گونه‌ای فزاینده روابط خود را در شبکه‌های رسانه‌ای سامان می‌دهد، شبکه‌هایی که به تدریج، جایگزین شبکه‌های اجتماعی ارتباطات رودررو می‌شوند یا آنها را تکمیل می‌کنند. مانوئل کاستلز شبکه را مجموعه‌ای از اتصالات میان اجزای یک واحد می‌داند. این اجزای شبکه‌ها، روابط درون و بین سطوح یا واحدهای واقعیت اجتماعی را سازمان می‌دهند» (اسکات، ۲۰۰۰: ۵۶). کاستلز (۱۹۹۷) معتقد است که همراه با انقلاب فناورانه، تغییر شکل سرمایه‌داری و سقوط دولت مقتدر در پایان قرن بیستم، شاهد تقویت قدرتمند هویت‌های جمعی جدیدی هستیم که برای یگانگی فرهنگی و کنترل انسان‌ها بر زندگی و محیط، با فرایندهای عام و جهان‌شمول مقابله می‌کنند. این وضعیت به دلیل گوناگونی فرهنگ‌های مختلف و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری

هر هویت جمعی، بسیار گوناگون است؛ با این حال، این نوع مقاومت‌ها گاه در حوزه وسیعی از جنبش‌های ارتجاعی قرار می‌گیرند که مفاهیمی همچون ملت، قوم، خانواده یا سرزمین را به منشأ و مبدأ مقاومت تبدیل می‌کند.

کاستلز (۱۹۹۷) بین سه صورت و منشأ هویت تفاوت قایل می‌شود: «هویت مشروعیت‌بخش: این هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آنها بر کنشگران اجتماعی را گسترش دهد و منطقی جلوه دهد؛ هویت مقاومت: این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا انگ منفی بر آن زده می‌شود؛ و هویت برنامه‌دار: هنگامی ایجاد می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از مواد فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند و به این ترتیب در پی تغییر صورت ساخت اجتماعی برمی‌آیند. هر یک از فرایندهای هویت‌سازی، به نتیجه متفاوتی در ایجاد جامعه یعنی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها و همچنین مجموعه‌ای از کنشگران اجتماعی سازمان‌یافته و ساختارمند نیز می‌انجامد». کاستلز ساخته شدن هر هویت را نه به فرد یا نهاد خاص، بلکه به ماهیتی با عنوان جامعه شبکه‌ای مرتبط می‌داند. در وضعیت جامعه شبکه‌ای، جوامع مدنی سنتی فرومی‌پاشند؛ زیرا دیگر پیوستگی میان منطبق اعمال قدرت در شبکه جهانی و منطبق ارتباط در جوامع و فرهنگ‌های خاص وجود ندارد؛ بنابراین یافتن معنا تنها در بازتولید هویت‌های مقاومتی و دفاعی براساس اصول مشترک ممکن می‌شود. اکثر کنش‌های اجتماعی براساس تضاد بین جریان‌های ناشناخته و هویت‌های منزوی صورت می‌گیرد. در زمینه پدیدار شدن هویت‌های برنامه‌دار، این وضعیت در حال حاضر هم در حال رخ دادن است (ترجمه عقیلیان، ۱۳۸۵: ۲۴).

نظریه هم‌فرهنگی

نظریه «هم‌فرهنگی» مبتنی بر نظریه «گروه خاموش» است (برای مثال سلسله‌مراتب اجتماعی در جامعه برای بعضی گروه‌ها نسبت به گروه‌های دیگر امتیاز قایل می‌شود).

اوربه^۱ (۱۹۹۸) خاطر نشان می‌سازد که ارتباطات هم‌فرهنگی در کلی‌ترین شکل خود، به تعاملات میان اعضای کم نفوذ اشاره دارد. دو فرض راهنمای نظریه هم‌فرهنگی عبارت‌اند از: (۱) اعضای گروه هم‌فرهنگ در ساختارهای اجتماعی مسلط، به حاشیه کشیده می‌شوند و (۲) اعضای گروه هم‌فرهنگ از برخی سبک‌های ارتباطاتی برای دستیابی به موفقیت هنگام مواجهه با ساختارهای مسلط سرکوبگر بهره می‌جویند (نقل از گادیکانست، ترجمه بشیر و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸).

نظریه معنا

واژه‌های پیام و معنا اغلب در زندگی روزمره دارای معانی متفاوت‌اند. اولین نوع، نظریه معناشناختی است که بیان‌کننده معنی تحت‌اللفظی عبارت است که در کنه عبارت موجود است و از این رو، رویکردها به معناشناسی با توجه به اینکه آیا گزاره دقیقه معانی جملات آن را منتقل می‌کند یا نه تقسیم‌بندی می‌شوند. دومین نوع که نگاه بنیادگرایانه دارد، بیان‌کننده معنی محتوایی عبارت است. هیچ دو زبانی از کلمات مشابه با معانی یکسان تشکیل نشده‌اند، در نتیجه، هر زبانی از سیستم معنایی یگانه بهره‌مند است.

نظریه معنا هنگامی در ارتباطات بین فرهنگی برجسته می‌شود که تلاش کنیم سوءتفاهم‌های پیش آمده در میان اعضای فرهنگ‌های مختلف را مطالعه کنیم. ریچاردز^۲ در سال ۱۹۳۶ بر این اساس نظریه معنا را مطرح کرد. او معتقد بود سوءتفاهم هنگامی ایجاد می‌شود که افراد فکر کنند یک واژه به‌طور مستقیم با مرجع آن پیوند دارد. این در حالی است که واژگان معنی خود را از افراد می‌گیرند، نه از سرشت ذاتی خود. طبق تعامل‌گرایی نمادین^۳، جامعه، نظامی از معناها را مشترک است که افراد از طریق ارتباط به‌وسیله یک زبان و نمادها در آن مشارکت دارند و از تعامل آنها با یکدیگر مجموعه‌ای از انتظارات، نسبت به چگونگی رفتار آنها با همدیگر پیش می‌آید. رسانه‌ها به‌عنوان

۱ Ourbeh

۲ Richards

۳ symbolic interaction

بخش محوری از ارتباطات مدرن در تولید معنای مشترک در جامعه معاصر بسیار حایز اهمیت هستند (هال، ۲۰۰۷). هربرت بلومر، یکی از شاخص‌ترین سنت‌های جامعه‌شناسی، یعنی تعامل‌گرایی نمادین را مورد توجه قرار داد. از نظر وی، کار مناسب برای جامعه‌شناسی، نگاهی دقیق و نزدیک به زندگی گروهی انسان و رفتار جمعی است که به واسطه (کردار) بروز می‌کند (بلومر^۲ و شیبوتانی،^۳ ۱۹۷۰). زندگی گروهی انسانی شامل هماهنگی مجموعه کردارهای شرکت‌کنندگان در گروه است. شرکت‌کنندگانی که چنین کردارهایی را تنظیم و تعدیل می‌کنند اغلب به دیگران نشان می‌دهند که چگونه باید عمل کنند و در مقابل، نشانه‌هایی را که از دیگران می‌رسد، تفسیر و تعبیر می‌کنند. از طریق چنین تعاملی است که افراد اهدافی را که تشکیل‌دهنده زندگی و دنیایشان است پیدا می‌کنند. افراد آمادگی آن را دارند که براساس معنای این اهداف عمل کنند. عمل انسان به وسیله فرد عمل‌کننده و براساس آنچه وی، ملاحظه، تعبیر، تفسیر و ارزیابی کرده، ساخته می‌شود (بلومر و شیبوتانی، ۱۹۷۰).

نظریه عدم قطعیت

نظریه عدم قطعیت از نظریه کاهش عدم قطعیت^۴ چارلز برگر^۵ گرفته شده است. گادیکانست این مفهوم را گسترش داد و از آن برای ارتباطات میان فرهنگی استفاده کرد. گادیکانست و همکاران (۱۹۹۱) فرهنگ را به این صورت تعریف کرده‌اند: «سندی مشترک بین گروه زیادی از مردم». فرهنگ آموزشی شامل آموختن این سند (ارزش‌ها، اعتقادات، رفتارها، جهان‌بینی و پیش‌فرض‌های مشترک فرهنگی که فرد به آن تعلق دارد) است. این سند راهنمای ما در ارتباطات بین‌فردی است؛ هنگامی که هر فرد نقش و جایگاه خود را می‌داند. وقتی افراد از فرهنگ‌ها و سند‌های متفاوتی باهم ارتباط

^۱ Hall

^۲ Blumer

^۳ Shibutani

^۴ the uncertainty reduction theory

^۵ Charles Berger

طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی ... ❖ ۲۱

برقرار کنند، قوانین سند به اندازه مورد انتظار از رفتارهای فرد پشتیبانی نمی‌کنند. این تفاوت‌های فرهنگی باعث ایجاد اضطراب و عدم قطعیت در فرد می‌شوند.

گادیکانست (۱۹۹۵) با عاریت گرفتن از برگر و کالابریس^۱ (۱۹۷۵) بین عدم قطعیت قابل پیش‌بینی (عدم قطعیت درباره پیش‌بینی نگرش و رفتار افراد) و عدم قطعیت توضیحی (عدم قطعیت برای توضیح نگرش و رفتار افراد) تفاوت قایل شد. وی همچنین بین عدم قطعیت شناختی (عدم قطعیت در داشتن آگاهی درباره افراد) و عدم قطعیت رفتاری (عدم قطعیت در پیش‌بینی رفتار بیگانگان) تمایز قایل بود. در هر کدام از انواع عدم قطعیت، میزان کمینه و بیشینه آستانه‌ای وجود دارد (گادیکانست، ۱۹۹۳). اگر عدم قطعیت از میزان آستانه بیشینه، بیشتر یا از میزان آستانه کمینه، کمتر باشد، برقراری ارتباط مؤثر با مشکل بیشتری روبه‌رو می‌شود. به بیان دیگر، هنگامی که افراد اطلاعات کافی برای پیش‌بینی رفتار دیگران ندارند؛ عدم قطعیت بیشتر از آستانه بیشینه رخ می‌دهد و هنگامی که فرد در پیش‌بینی رفتار دیگران دچار اعتماد به نفس کاذب می‌شود، عدم قطعیت کمتر از آستانه کمینه و تفسیر اشتباه اتفاق می‌افتد؛ بنابراین کاهش عدم قطعیت «توانایی افراد در پیش‌بینی و توضیح رفتارهای خود و دیگران در طول ارتباط است هنگامی که عدم قطعیت شناختی است، اضطراب اثر بیشتری دارد و به ترس ناشی از عواقب منفی حضور در محیط فرهنگی بیگانه برمی‌گردد» (گادیکانست و هامر^۲، ۱۹۸۸: ۱۱۲).

گادیکانست و هامر (۱۹۸۸) به طریق مشابه عدم قطعیت معتقدند، افراد برای اضطراب نیز آستانه کمینه و بیشینه دارند. آستانه بیشینه، بیشترین مقدار اضطرابی است که افراد در برقراری ارتباط راحت و آسوده با دیگران احساس می‌کنند و آستانه کمینه، کمترین مقدار اضطرابی است که افراد در ارتباط سالم با دیگران دارند. در اینجا بررسی سازوکارهای واقعی تعامل میان متن و گیرنده بیشتر مورد توجه است. روشن است که هرگاه رمزهای فرستنده^۳ و گیرنده همخوانی نداشته باشند (فقط به صورت نظری

^۱ Calabrese

^۲ Hammer

^۳ addressee

^۴ sender

همخوان باشند نه در ارتباطات عملی)، طی فرایند رمزگشایی، متن پیام از سوی دریافت‌کننده دچار تغییر شکل می‌شود.

ارتباط مؤثر هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد پیام دریافتی را به شیوه مشابه با پیام ارسالی از سوی فرستنده تفسیر و تعبیر کند (گادیکانست، ۱۹۹۵). به بیان دیگر، هنگامی که افراد تفسیرهای اشتباه را به حداقل می‌رسانند، ارتباط مؤثر برقرار می‌شود. تطابق‌های فرهنگی از طریق بهبود «تناسب بین افراد و محیط» موجب ارتباطات مؤثرتر می‌شود (گادیکانست و هامر، ۱۹۸۸) که در نتیجه آن اضطراب و عدم قطعیت کاهش می‌یابد و تفسیرهای اشتباه کمتر رخ می‌دهد.

این نظریه به دلیل آنکه دارای رویکرد بدبینانه است و در آن افراد پیوسته در حال مدیریت اضطراب نشان داده می‌شوند مورد انتقاد قرار گرفته، اما قدرت نظری آن باعث شده است که به انتقادهای یاد شده، کمتر در میان متفکران توجه شود. در کل می‌توان گفت که این نظریه، راهبردهایی را برای کاهش اضطراب و عدم قطعیت و در نتیجه افزایش اثربخشی در ارتباط با افرادی از فرهنگ‌های دیگر و یا افرادی با جهان‌بینی متفاوت با شخص ارائه کرده است.

به‌طور کلی، در زمینه نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی با دو دسته نظریه مواجه هستیم: نخست، نظریه‌هایی که به تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت می‌پردازند و سپس، نظریات مطرح در حوزه ارتباطات بین فرهنگی و چندفرهنگی گرایبی. به این ترتیب که: براساس نظریه هم‌فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی مجازی عرصه تعاملات میان اعضای کم نفوذ و ظهور هویت‌های خاموش و به حاشیه رانده قلمداد می‌شوند. براساس نظریه توانش ارتباطاتی در ارتباط با گروه غیرخودی، شبکه‌های اجتماعی مجازی بر توانش ارتباطاتی افراد در رابطه با گروه غیرخودی به‌واسطه قرار دادن اعضای گروه غیرخودی در شبکه‌های شخصی افراد تأثیر می‌گذارند و براساس نظریه مذاکره درباره هویت، شبکه‌های اجتماعی مجازی بر توانش ارتباطاتی افراد در ارتباط با گروه غیرخودی به‌واسطه مدیریت مؤثر دیالکتیک

امنیت - آسیب‌پذیری و شمول تاثیرگذارند. از این‌رو، هرچه خودشناسایی افراد به صورت امن‌تری انجام پذیرد، انسجام هویتی و عزت نفس کلی آنان بیشتر می‌شود. براساس نظریه مانوئل کاستلز، جامعه شبکه‌ای در بازتولید هویت‌های مقاومتی براساس اصول مشترک نقش اساسی دارد. همچنین براساس نظریه معنا، سوء تفاهم هنگامی ایجاد می‌شود که افراد فکر کنند یک واژه به طور مستقیم با مرجع آن پیوند دارد. این در حالی است که واژگان معنی خود را از افراد می‌گیرند، نه از سرشت ذاتی خود. از این منظر، زندگی گروهی انسانی شامل هماهنگی مجموعه کردارهای شرکت‌کنندگان در گروه است. براساس نظریه عدم قطعیت گادیکانست و همکاران (۱۹۹۱) وقتی افراد از فرهنگ‌ها و سندهای متفاوتی باهم ارتباط برقرار کنند، قوانین سند به اندازه مورد انتظار از رفتارهای فرد پشتیبانی نمی‌کنند. این تفاوت‌های فرهنگی باعث ایجاد اضطراب و عدم قطعیت در فرد می‌شوند. از این‌رو، درباره محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی هم می‌توان گفت ارتباط مؤثر هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد پیام دریافتی را به شیوه‌ای مشابه با پیام ارسالی از سوی فرستنده تفسیر و تعبیر کند. به بیان دیگر، هنگامی که افراد تفسیرهای اشتباه را به حداقل می‌رسانند؛ ارتباطی مؤثر رخ می‌دهد. اکنون پس از مرور سوابق تجربی و نظری یاد شده، می‌توان با مطالعه‌ای کیفی دریافت که ارتباطات فرهنگی بین قومی در وضعیت گذار جامعه ایران به وضعیت شبکه‌ای (به‌ویژه در شکل ارتباطات مجازی آن)، چه کارکردهایی در ارتباطات میان فرهنگی قومی داشته است؟

روش‌شناسی پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، در زمره پژوهش‌های اکتشافی، به لحاظ نوع، از پژوهش‌های کاربردی و به لحاظ راهبرد، دارای راهبرد استقرایی بوده است. علاوه بر این، به لحاظ ماهیت داده‌ها و روش گردآوری آنها نیز از روش کیفی و مصاحبه عمیق بهره برده است. در مصاحبه عمیق، پژوهشگر بر عکس مصاحبه استاندارد و یا حتی نیمه استاندارد، پرسش‌های دقیقه از پیش تعیین شده ندارد؛ از این‌رو، خود فرایند مصاحبه تعیین می‌کند که کدام عنوان‌ها و جزئیات به منظور درک عمیق یا ظریف‌تر و

پرده برداشتن از زوایای پنهان و ناشناخته کنش‌ها و ساختار فعالیت افراد و... مطرح گردند. به‌منظور اعتبارسنجی شاخص‌های احصاء شده از روش ارزیابی اعتبار به شیوه ارتباطی استفاده شد. بدین ترتیب که مضامین پایه‌ای، سازمان‌یافته و فراگیر احصاء شده، توسط اعضا مصاحبه‌شونده کنترل شدند (فلیک، ترجمه جلیلی، ۱۳۸۸: ۴۱۵). به بیان دیگر، ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی از سوی اعضای مورد مطالعه (در اینجا مصاحبه‌شوندگان) صورت گرفته است. به‌منظور پایایی سنجی مضامین (پایه‌ای) احصاء شده، از روش ضریب توافق بین دو کدگذار و یا پژوهشگر همکار استفاده شد (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۲۸۹). ضریب پایایی ۰/۸۹ برآورد شده است. شیوه نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری، نظری بوده است، به این ترتیب، با ۲۰ نفر از دانشجویان ۴ قوم کرد، لر، فارس و ترک دانشگاه‌های تهران در سال‌های تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ مصاحبه عمیق به عمل آمده است. داده‌های پژوهش از مصاحبه عمیق با ۲۰ نفر از دانشجویان به اشباع نظری رسیده است. در نهایت، برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون و از نوع شبکه مضامین (برای نشان دادن ارتباط و وابستگی مضامین) به‌واسطه انجام فرایند کدگذاری نظری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی به‌منظور احصاء و کشف مضامین پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌یافته (مقولات اصلی و فرعی به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمون‌های اصلی) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌عنوان یک کل) کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی استفاده شده است. در تعریف مضمون می‌توان گفت: مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، درک و تجربه خاصی را در زمینه پرسش‌های پژوهش نشان می‌دهد. به بیان دیگر مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و به توصیف، سازماندهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (براون^۱ و کلارک^۲، ۲۰۰۶ نقل از عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۴).

1. Braun

. Clarke

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تحلیل داده‌ها و برساخت الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی، از تحلیل مضمون و شبکه مضامین استفاده شده است.

جدول ۱. فرایند کدگذاری نظری به منظور کشف مضامین پایه، سازمان‌یافته و فراگیر کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌یافته		مضامین فراگیر
	فرعی	اصلی	
حمایت از اصالت قومی خود	تعصب نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای قومی خودی	ارزش داوری نسبت به سایر فرهنگ‌های قومی	تأثیرات بین فرهنگی قومی
دنبال کردن تاریخچه قومی			
کم شدن طنزهای قومیتی			
کمرنگ شدن تعصبات قومیتی			
داشتن جهت‌گیری قومیتی	برابر بودن اقوام	انطباق‌پذیری با رفتار اقوام دیگر	
افتخار به تمام قومیت‌ها			
سازگار بودن با سایر اقوام			
پذیرش در سایه ارتقای آگاهی			
نادیده گرفتن تفاوت‌های قومی	پذیرش تفاوت‌های فرهنگی اقوام	اولویت داشتن انسانیت به قومیت	
اولویت داشتن شخصیت به قومیت			
سفر کردن، عامل نزدیکی اقوام			
مهارت و تعامل گفتمانی			
نزدیک شدن اقوام	تعامل فعال با اقوام دیگر	تعامل خلاقانه در تعامل با اقوام دیگر	
داشتن تعامل مثبت بین قومی			
خودداری از بحث کردن بی‌فایده			
کنترل احساسات			
مقابله‌به‌مثل در توهین‌های قومیتی	مدیریت احساسات در بروز اختلافات قومی	پایداری احساسی	
تمایل به متقاعد کردن			
تمایل به تذکر دادن			
تلاش نکردن برای حفظ آرامش			
حفظ آرامش	حفظ آرامش در شرایط بحرانی قومی		

ادامه جدول ۱

مضامین پایه	مضامین سازمان یافته		مضامین فراگیر
	فرعی	اصلی	
پرهیز از تمسخر قومی	همذات‌پنداری و درک تفاوت فرهنگی قومی	همذات‌پنداری و درک تفاوت فرهنگی قومی	همذات‌پنداری و درک تفاوت فرهنگی قومی
آشنایی بیشتر اقوام با یکدیگر			
کمرنگ شدن فاصله قومیتی			
به‌واسطه فضای مجازی			
فرهنگ‌سازی مثبت قومیتی	قرابت فکری افراد با قومیت‌های مختلف	قرابت فکری افراد با قومیت‌های مختلف	قرابت فکری افراد با قومیت‌های مختلف
به‌واسطه فضای مجازی			
آشنایی با دلاوری‌های بزرگان قوم			
توجه به مطالعه آثار قومی			
علاقه‌مندی به شناخت قومی	مطالعه آثار قوم	مطالعه آثار قوم	عناصر شناختی
اعتقاد به نسبت فرهنگی			
شناخت بین فرهنگی			
داشتن تصور چند قومیتی			
علاقه‌مندی به موسیقی قومی	علاقه‌مندی به سروده‌ها و اشعار قومیتی	علاقه‌مندی به سروده‌ها و اشعار قومیتی	عناصر احساسی
علاقه‌مندی به موسیقی محلی			
توجه به آداب‌ورسوم قومی			
حمایت در مقابل توهین قومیتی			
واکنش نسبت به توهین قومیتی	حساسیت به اظهارنظرهای منفی نسبت به قوم	حساسیت به اظهارنظرهای منفی نسبت به قوم	عناصر ارزشی
استفاده از مصنوعات فرهنگی در پروفایل			
توجه به زبان قومی			
عدم توجه زیاد به زبان قومی			
توجه به تعامل قومی	اهمیت دادن به تعامل قومی	اهمیت دادن به تعامل قومی	تغصب قومی
تعارف و تمجید قومیتی			
نپذیرش سایر اقوام			
مهم بودن ارزش‌های قومی			
توجه قومیتی	حساسیت قومی	حساسیت قومی	تهدید و کشمکش بین قومی
افزایش نزاع‌ها			
پرخاشگری و فحاشی			
خصومت بین قومی			
مهم نبودن تفاوت‌های قومی	توجه به خصومت‌های بین قومی	توجه به تفاوت‌های بین قومی	توجه به تفاوت‌های بین قومی
مهم نبودن تفاوت‌های قومی			
مهم نبودن تفاوت‌های قومی			
مهم نبودن تفاوت‌های قومی			

ادامه جدول ۱

مضامین پایه	مضامین سازمان یافته		مضامین فراگیر
	فرعی	اصلی	
پرهیز از ازدواج بین قومی	اعتقاد به تعلق قومی	مبستگی درون گروهی	قوم‌محوری
با اهمیت نداشتن تعلق قومی			
اولویت داشتن تعلق قومی			
احساس تعهد قومی در مقابل تعهد ملی	احساس تعهد و مسئولیت قومی		
تعهد قومی در نداشتن احساس مقابل تعهد ملی			
مسئولیت قومی			

جدول ۲ تعداد مضامین فراگیر، مضامین سازمان یافته و مضامین پایه‌ای کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی را در ارتباطات میان فرهنگی قومی مستخرج از داده‌های کیفی مرتبط با مصاحبه نشان می‌دهد:

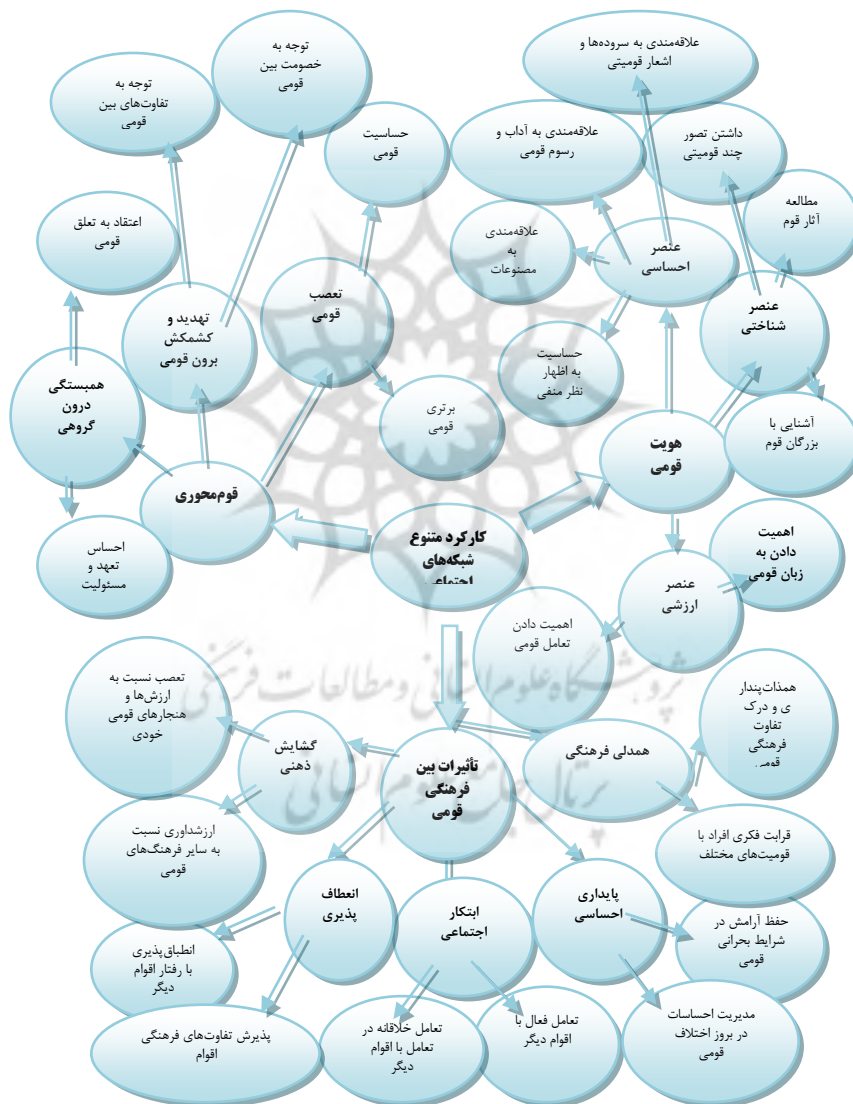
جدول ۲. تعداد مضامین فراگیر، سازمان یافته و پایه‌ای کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی

مضامین پایه	مضامین سازمان یافته		مضامین فراگیر	ردیف
	فرعی	اصلی		
۲۷	۱۰	۵	تأثیرات بین فرهنگی قومی	۱
۱۴	۹	۳	هویت قومی	۲
۱۴	۶	۳	قوم‌محوری	۳
۵۵	۲۵	۱۱	۳	جمع کل

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی حاصل از تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته در بین سه گروه از مضامین فراگیر؛ شامل تأثیرات بین فرهنگی قومی، هویت قومی و قوم‌محوری، ۱۱ مضمون سازمان یافته اصلی، ۲۵ مضمون سازمان یافته فرعی و در نهایت ۵۵ مضمون پایه‌ای به اشباع نظری رسیده است.

مدل مفهومی شبکه‌ای برحسب مضامین فراگیر و سازمان‌یافته اصلی و فرعی در نمودار ۱ ترسیم شده است.

نمودار ۱. مدل مفهومی شبکه‌ای اندازه‌گیری کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی براساس مضامین فراگیر و سازمان‌یافته اصلی و فرعی



بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی انجام شده است. «ارتباط فرهنگی، فرایند تماس با فرهنگ‌های دیگر است که می‌تواند به‌طور یک‌سویه یا دوسویه باشد. در حالت دوسویه، دادوستد یا مبادله فرهنگی پدید می‌آید» (ساروخانی، ۱۳۷۰). این تعریف، ناظر به ارتباط میان دو فرهنگ است. «ارتباط فرهنگی می‌تواند در حوزه ارتباطات با محتوای فرهنگی یا در زمینه و بستر فرهنگی یا در گفتمانی فرهنگی که با عناصر، سوابق و جنبه‌های فرهنگی جامعه سروکار دارد، به‌کار برد. در این حالت، این اصطلاح هم‌عرض با ارتباطات سیاسی و ارتباطات دینی خواهد بود که هم در میان اعضای متعلق به یک فرهنگ و در درون آن و هم در میان اعضای دو فرهنگ و بین آن دو، می‌تواند قرار گیرد» (ویور، ۱۹۹۶: ۲۰).

پس از توصیف و تبیین سوابق نظری و بیان سوابق تجربی مرتبط با موضوع پژوهش، از روش کیفی و از مصاحبه عمیق با دانشجویان اقوام کرد، لر، فارس و ترک دانشگاه‌های تهران و نیز تحلیل مضمون به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی بهره گرفته شد. نتایج پژوهش کیفی نشان می‌دهد که الگوی کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی متنوع و به‌صورت پولوگی است؛ به بیان دقیق‌تر؛ می‌توان چنین ادعان داشت که شبکه‌های اجتماعی مجازی، هم موجب تأثیر مثبت میان فرهنگی قومی، هم باعث برجسته شدن قوم محوری و هم موجب تقویت هویت قومی می‌شوند؛ به این ترتیب که: شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند با گسترش ارتباطات میان فرهنگی و تبدیل کردن آن به امری روزمره، به نزدیکی بیشتر فرهنگ‌های مختلف و اخذ جنبه‌های مثبت و ایجاد همنوایی بیشتر کمک کنند. به بیان دیگر، رشد و توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و نیز شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب بسط و گسترش مبادلات و آگاهی‌های قومی و فرهنگی شده است. این امر در ذیل مضمون فراگیر

تأثیرات بین فرهنگی قومی با ۵ مضمون اصلی گشایش ذهنی (شامل دو مضمون فرعی: تعصب نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای قومی خودی و ارزش داوری نسبت به سایر فرهنگ‌های قومی)، انعطاف‌پذیری (شامل دو مضمون فرعی: انطباق‌پذیری با رفتار اقوام دیگر و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی اقوام)، ابتکار اجتماعی (شامل دو مضمون فرعی: تعامل خلاقانه در تعامل با اقوام دیگر و تعامل فعال با اقوام دیگر)، پایداری احساسی (شامل دو مضمون فرعی: مدیریت احساسات در بروز اختلافات قومی و حفظ آرامش در شرایط بحرانی قومی) و همدلی فرهنگی (شامل دو مضمون فرعی: همذات‌پنداری و درک تفاوت فرهنگی قومی و قرابت فکری افراد با قومیت‌های مختلف) احصا و شناسایی شده است.

مضامین فراگیر برساخته شده الگوی مفهومی را می‌توان براساس نظریه عدم‌قطعیت گادیکانست و همکاران (۱۹۹۱) چنین تبیین کرد که وقتی افراد از فرهنگ‌ها و سندهای فرهنگی متفاوت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، تفاوت‌های فرهنگی باعث ایجاد اضطراب و عدم‌قطعیت در آنها می‌شود. از این‌رو، تفاوت‌ها زمانی به کاهش اضطراب و عدم‌قطعیت می‌انجامد که برداشت‌ها یکسان یا نزدیک به هم باشند و تفاوت‌ها به حداقل برسند؛ به این ترتیب، در خصوص محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز می‌توان گفت ارتباط مؤثر زمانی اتفاق می‌افتد که فرد پیام دریافتی را به شیوه‌ای مشابه با پیام‌ارسالی از سوی فرستنده پیام تفسیر کند. به بیان دیگر، بنا به باور گادیکانست و هامر (۱۹۸۸) هنگامی که افراد تفسیرهای اشتباه را به حداقل می‌رسانند؛ ارتباطی مؤثر رخ می‌دهد. تطابق‌های فرهنگی از طریق بهبود «تناسب بین افراد و محیط» موجب ارتباطات مؤثرتر می‌شوند؛ در نتیجه، اضطراب و عدم‌قطعیت کاهش می‌یابد و تفسیرهای اشتباه کمتر رخ می‌دهد. همچنین مضامین فراگیر برساخته شده الگوی مفهومی با نظریه مذاکره هویت تینگ - تومی^۱ (۱۹۹۳) همسو با نظریه تینگ - تومی فرایند مذاکره تعامل هویتی دو تعامل‌گر در یک رویداد ارتباطی جدید است. از این‌رو، هرچه خودشناسایی افراد به‌صورت امن‌تری انجام پذیرد، انسجام هویتی و عزت‌نفس

۱. Ting - toomey

کلی آنان افزایش می‌یابد و بیشتر از گذشته پذیرای تعامل با اعضای سایر فرهنگ‌ها خواهند بود. برعکس، هرچه احساس آسیب‌پذیری افراد بیشتر باشد، دچار اضطراب بیشتری در تعاملات خود خواهند شد. همچنین یافته‌ها، با نظریه توانش ارتباطی کیم (۱۹۸۶) قرابت دارند، یعنی قرار گرفتن اعضای گروه غیرخودی، در شبکه‌های شخصی افراد و ماهیت پیوند با اعضای گروه غیرخودی، بر توانش ارتباطی آنها در رابطه با گروه غیرخودی، تأثیر می‌گذارد. در نهایت، براساس نظریه معنا، زندگی گروهی انسانی شامل هماهنگی مجموعه کردارهای شرکت‌کنندگان در گروه، از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی است و از تعامل آنها مجموعه‌ای از انتظارات، نسبت به چگونگی رفتارشان با یکدیگر پدید می‌آید. از این منظر؛ سوء تفاهم در شبکه‌های اجتماعی مجازی هنگامی کاهش پیدا می‌کند که افراد فکر کنند واژگان معنی خود را از افراد می‌گیرند، نه از سرشت ذاتی خود. از این رو، عمل به وسیله فرد عمل‌کننده به واسطه فرایند تفسیر و ارزیابی او ساخته می‌شود.

با توجه به سوابق نظری یاد شده، هرچه دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی در تعامل با سایر اقوام، انعطاف‌پذیری بیشتری نشان دهند و ضمن پرهیز از ارزش‌داوری نسبت به سایر فرهنگ‌های قومی، تفاوت‌های فرهنگی قومی را پذیرا باشند، پایداری احساسی را تجربه کنند (ضمن حفظ آرامش در شرایط بحرانی قومی به مدیریت احساسات در بروز اختلاف قومی مبادرت ورزند) و دارای ابتکار عمل اجتماعی فعال و خلاقانه در تعامل با اقوام دیگر باشند؛ به قرابت فکری، همذات‌پنداری و درک تفاوت فرهنگی قومی بیشتری دست خواهند یافت. این امر موجب تعاملات مثبت بین فرهنگی قومی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی خواهد شد.

یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های بسیاری همسو بوده است؛ برای مثال، یافته‌های بوید^۱ و الیسون^۲ (۲۰۰۷) الولا^۳ و اسکوز^۴ (۲۰۰۹) که

۱ Boyd

۲ Ellison

۳ Elola

۴ Oskoz

براساس آنها، استفاده از وبلاگ‌ها نه تنها اثر مثبتی بر روابط فرهنگی داشته است، بلکه درجه مشارکت فرهنگی را هم افزایش داده است. پژوهش بانرجی (۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد که قوم‌محوری به دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش یافته و انگیزه‌های مردم برای تعامل با دیگر فرهنگ‌ها در حال افزایش است. بریزلین و یوشیدا (۱۹۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که افراد با حساسیت فرهنگی بالاتر در زمینه‌های احترام و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، قوم‌محوری کمتری از خود به نمایش می‌گذارند. همچنین قادرزاده و عبداله‌زاده (۱۳۹۱) از مطالعه خود نتیجه گرفتند که با گسترش ارتباطات مجازی و بالا رفتن آگاهی و شناخت بین قومی، حساسیت‌های بین فرهنگی متعادل شده و کاهش یافته است. علاوه بر این، اندرسن و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خود نشان دادند؛ ارتباطات فرهنگی دانشجویان که به واسطه مسافرت‌ها (در اینجا مسافرت مجازی) صورت می‌گیرد؛ باعث بهبود حساسیت بین فرهنگی می‌شود.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند باعث برجسته شدن اختلافات و تفاوت‌های قومی یا حتی کینه، نفرت و بازتولید دیدگاه‌های قوم‌مدارانه در این فضا باشند. این امر در ذیل مضمون فراگیر قوم‌محوری، شامل سه مضمون اصلی: تعصب قومی (برتری قومی و حساسیت قومی)، تهدید و کشمکش برون قومی (توجه به خصومت بین قومی و توجه به تفاوت‌های بین قومی) و همبستگی درون گروهی (اعتقاد به تعلق قومی و احساس تعهد و مسئولیت قومی) احصا و شناسایی شده است. این مفهوم به معنای قضاوت همراه با تعصب فرهنگی است؛ مانند به کار بردن ملاک قالبی که از طریق فرهنگ شخص تولید شده است و وی آن را در مورد موضوعات، کنش‌ها، افراد یا گروه‌هایی از فرهنگ غیر به کار می‌برد. این مضمون فراگیر بر ساخته شده الگوی مفهومی که به معنای قضاوت جانبدارانه، به عنوان یکی از چندین مشخصه در نظریه همبستگی درون گروهی است و با شاخص خصومت^۱ به عنوان یکی از خصیصه‌های فراگیر جوامع انسانی باز شناخته می‌شود، با

۱ antagonism

نظریه سامنر^۱ که براساس آن، شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب تقویت و توسعه همبستگی‌های درون‌گروهی قومیتی و کشمکش و خصومت برون‌گروهی قومی می‌شوند؛ قرابت دارد.

از این رو، با توجه به سوابق نظری یاد شده، هرچه دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی، در تعامل با سایر اقوام، دارای نگرش یا دیدگاه برتری و حساسیت قومی باشند و به تفاوت‌ها و خصومت بین قومی اهمیت بدهند. این امر موجب تقویت و بازتولید همبستگی درون‌گروهی قومی، کشمکش‌های برون‌گروهی آن بیشتر خواهد شد. نتیجه نیز چیزی جز بازتولید قوم محوری در شبکه‌های اجتماعی مجازی نخواهد بود. در همین زمینه، کیان‌آ و اسکات (۲۰۰۷) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که افشای بیش از حد اطلاعات شخصی در شبکه‌های اجتماعی، باعث مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی در سطح بین فرهنگی شده است. مانند درگیری‌ها، مناقشات و بحث‌های مرتبط با اعتقادات و باورهای افراد و تفکرات قالبی آنها در مورد یکدیگر. پژوهش پونیا (۲۰۰۶) نشان داد که با بیشتر شدن تعامل بین قومیت‌ها، همبستگی افزایش می‌یابد؛ اما همزمان، می‌تواند به کشمکش برون‌گروهی نیز منجر شود؛ چراکه شبکه‌های اجتماعی مجازی به تشدید و توسعه قوم‌محوری در ارتباطات دامن می‌زنند. همچنین پژوهش‌های بولونگ و همکاران (۲۰۰۸) اثبات کرده است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به قوم‌محوری دامن می‌زنند. به بیان دیگر؛ عموماً در فضای اینترنت، تمایل افراد به ایجاد ارتباطات درون قومی بیشتر است تا ارتباطات برون‌قومی. سومین یافته پژوهش آن است که شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند باعث تقویت و بازتولید هویت‌های قومی و نژادی در این فضا باشند. این امر در ذیل مضمون فراگیر هویت قومی با سه مضمون اصلی؛ شامل: عنصر شناختی (آشنایی با بزرگان قوم، مطالعه آثار قوم و داشتن تصور چندقومیتی)، عنصر احساسی (علاقه‌مندی به سروده‌ها و

۱ Sumner

۲ Qian

اشعار قومیتی، علاقه‌مندی به آداب و رسوم قومی، حساسیت به اظهار نظر منفی نسبت به قوم و علاقه‌مندی به مصنوعات فرهنگی قوم) و عنصر ارزشی (اهمیت دادن تعامل قومی و اهمیت دادن به فرهنگ و زبان قومی) احصا و شناسایی شده است.

این مضمون فراگیر بر ساخته شده الگوی مفهومی از یک‌سو، با دیدگاه تاجفل (۱۹۷۸) که هویت اجتماعی (در اینجا هویت قومی) را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر شناختی، ارزشی و احساسی می‌داند، قرابت دارد. از این منظر، می‌توان هویت قومی دانشجویان را می‌توان بر اساس میزان آگاهی و شناخت آنها از تعلقشان نسبت به یک قوم مشخص و پیامدهای احساسی و ارزشی مرتبط با آن تعریف کرد. از سوی دیگر این مضمون فراگیر با دیدگاه مانوئل کاستلز (ترجمه عقیلیان، ۱۳۸۵) که انقلاب فناورانه و جامعه شبکه‌ای برآمده از آن موجب تقویت قدرتمند هویت‌های جمعی مقاومتی و برنامه‌دار می‌داند؛ همسو است یعنی جامعه شبکه‌ای در تقویت و بازتولید هویت‌های مقاومتی همچون هویت‌های جمعی غیر ملی که مهم‌ترین آنها هویت‌های قومی هستند؛ نقش اساسی دارد. همچنین طبق نظریه هم‌فرهنگی اعضای گروه هم‌فرهنگ خاموش، از برخی از سبک‌های ارتباطاتی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دستیابی به موفقیت‌ها هنگام مواجهه با ساختارهای مسلط سرکوبگر بهره می‌جویند.

از این رو، با توجه به سوابق نظری یاد شده، می‌توان گفت هرگاه در دنیای واقعی، هویت مشروعیت‌بخشی که از سوی نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود؛ توسعه یابد و مجالی برای ظهور و بروز هویت‌های قومی نماند. عرصه مجازی و بویژه، شبکه‌های اجتماعی مجازی به محلی برای بازتولید هویت‌های قومی تبدیل خواهد شد تا به واسطه آن، ارزش‌ها و احساسات قومیتی خود را بازنمایی کنند. در همین زمینه، توسلی و قلی‌پور (۱۳۸۶) نشان دادند که لک‌ها با وجود تفاوت‌های فرهنگی متعدد، برخی خصیصه‌های فرهنگی مشترک دارند که به‌طور مشخص، بیانگر هویت قومی آنهاست؛ آنها با پذیرفتن عناصر مدرن و جهانی در کنار عناصر محلی و قدیمی، ترکیب ظریفی از امر محلی و جهانی را به‌وجود آورده‌اند؛ همچنین عناصری که در درون فرایندهای

قدرت، تفاوت و مقاومت قرار می‌گیرند، توان هویت‌سازی بالاتری دارند. خانیکی و بصیریان جهرمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی مجازی زمینه‌های کنشگری و متعاقب آن، بسیج و همسویی پیروان یک عقیده را در فرهنگ رسانه‌ای مجازی پیش می‌کشد. در مقابل، عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود، به تأثیرات منفی شبکه‌های اجتماعی مجازی، همچون فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان به واسطه مدت عضویت و میزان مشارکت در جامعه آماری مورد مطالعه خود دست یافته‌اند.

در نهایت باید خاطر نشان کرد اینکه کدام‌یک از این رویکردهای برساخته شده کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی غالب‌اند؛ خود نیاز به ارزیابی الگوی مفهومی برساختی از کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی در ایران دارد؛ امری که در مقال دیگری به آن پرداخته خواهد شد.

همان‌گونه که یافته‌ها نشان داده است؛ کارکردهای متنوع شبکه‌های اجتماعی مجازی در ارتباطات میان فرهنگی قومی در سه مضمون فراگیر: تأثیرات بین فرهنگی قومی، قوم‌محوری و هویت قومی خلاصه می‌شوند. این امر از این حیث می‌تواند برای مسئولان سیاست‌گذاری‌های بین فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های فضای مجازی و نیز دانشگاه‌ها با اهمیت باشد که با در نظر گرفتن مضامین فوق برای تدوین راهبردها، برنامه‌های عملیاتی و اقدامات لازم، از جمله تولید محتوای آموزشی در زمینه‌های ارتقای سطح سواد رسانه‌ای کاربران و نیز آموزش مهارت‌های اجتماعی خاصه مهارت‌های ارتباطی کاربران شبکه‌های اجتماعی مجازی و تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی با هدف کاهش حساسیت‌های بین فرهنگی قومی در فضای مجازی، به‌طور عام و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به‌طور خاص، تمهیداتی را فراهم سازند.

منابع

- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). **جهانی‌شدن فرهنگ** (ترجمه محسن حکیمی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- توسلی، غلامعباس و قلی‌پور، سیاووش. (۱۳۸۶). جهانی‌شدن و هویت فرهنگی قوم لک. **جامعه‌شناسی ایران**، ۸ (۳)، ۱-۲۹.
- خانیکی، هادی و بصیریان جهرمی، حسین. (۱۳۹۲). کنشگری و قدرت در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه کارکردهای فیس‌بوک در فضای واقعی). **علوم اجتماعی**، ۶۱، ۸۰-۴۵.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۸). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد اول.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روش ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. **اندیشه مدیریت راهبردی**، ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۸). **شبکه‌های اجتماعی مجازی**. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید و میرمحمدتبار، سیداحمد. (۱۳۹۳). تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان. **تحقیقات فرهنگی ایران**، ۷ (۱)، ۲۸-۱.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۸). **درآمدی بر تحقیق کیفی** (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نی، چاپ دوم.
- قادرزاده، امید و عبدالله‌زاده، خالد. (۱۳۹۱). حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران، مورد مطالعه اقوام ترک و کرد در شهر قروه. **مجله علوم اجتماعی**، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۵۴، ۱۱۹.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵). **جامعه شبکه‌ای** (ترجمه احمد عقیلیان). تهران: طرح نو.

- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نی.
- گادیکانست، ویلیام بی. (۱۳۹۶). نظریه پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی (ترجمه حسن بشیر و همکاران). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لاری سامووار و همکاران. (۱۳۷۹). ارتباط بین فرهنگ‌ها (ترجمه غلامرضا کیانی و سیداکبر میرحسینی). تهران: باز.
- Anderson, P. H.; Lawton, L.; Rexeisen, R. J. & Hubbard, A.C. (2005). Short-Term Study Abroad and Intercultural Sensitivity: A Pilot Study. **International Journal of Intercultural Relations**, 30 (4), 457° 469.
- Banerjee, C. S. (2007). Ethnocentrism and Sensation Seeking as Variables that Influence Intercultural Contact Seeking Behaviour: A Path Analysis. **Communication Research Reports**, 24 (4), 303-310.
- Bennett, W. (1995). The International Assignee: The Relative Importance of Factors Perceived to Contribute to Success. **Personnel Psychology**, , ° .
- Berger, C. & Calabrese, R. (1975). Some Explorations in Initial Interactions and Beyond: Toward A Developmental Theory of Interpersonal Communication. in **Human Communication Research**, - .
- Blumer, H. & Shibutani, T. (1970). **Human Nature and Collective Behavior; Papers in Honor of Herbert Blumer**. Englewood-Cliffs: Prentice-Hall.
- Bolong, J.; Tamam, E. & Wan, A. (2008). **Social Relevance and**

- Interpersonal Interpersonal Relationships in the Virtual Community Through Internet Relay Chat (IRC).** In Akmar Hayati Ahmad Ghazali, Jusang Bolong, Siti Zobidah Omar & Abdul Mua from @ Zamri Ahmad (Eds.), *Current Communication Challenge*, 303-313.
- Boyd, D. M. & Ellison, N. B. (2007). Social Network Sites: Definition, History, and Scholarship. **Journal of Computer-Mediated Communication**, 13 (1), 210-230.
- Brislin, R. & Yoshida, T. (1994). **Intercultural Communication Training: An Introduction**. London.
- Castells, M. (1997). **The Power of Identity, the Information Age: Economy, Society and Culture**, 2. Malden, MA; Oxford, UK: Blackwell.
- Elola, I. & Oskoz, A. (2009). Blogging: Fostering Intercultural Competence Development in Foreign Language and Study Abroad Contexts. **Foreign Language Annals**, 41 (3), 454-477.
- Gudykunst, W. (1993). Toward A Theory of Effective Interpersonal and Intergroup Communication: An Anxiety/Uncertainty Management (AUM) Perspective. **In Intercultural Communication Competence**, 33-71. Newbury Park: Sage.
- Gudykunst, W. (1995). **Anxiety/uncertainty Management (AUM) Theory: Current Status**. In L. Wiseman, *Intercultural Communication Theory*, 8-58. Thousand Oaks: Sage.
- Gudykunst, W. & Hammer, M. (1988). **Strangers and Hosts: An Extension**

- of Uncertainty Reduction Based Theory of Intercultural Adaptation.** In Y. Kim, & W. Gudykunst, *Cross-Cultural Adaptation: Current Approaches*, 106-139. Newbury Park: Sage.
- Gudykunst, W.; Ting-Toomey, S. & Wiseman, R. (1991). **Taming the Beast: Designing a Course in Intercultural Communication.**
- Helms, J. (1990). **Toward a Theory of Black and White Racial Identity: Research and Practice.** New York: Greenwood Press.
- Hall, P. (2007). **Symbolic Interaction. Blackwell Encyclopedia of Sociology.** Via Blackwell Encyclopedia of Sociology.
- Internet World Stats.** (). Usage & Population Statistics. 31 Dec 2017. <http://www.Internetworldstats.com>
- Kim, YY. (1986). **Understanding the Social Structure of Intergroup Communication.** In W.B. Gudykunst (ED), *Intergroup Communication*, 86-95. London: Edward Arnold.
- Obar, J. A. & Wildman, S. (2015). Social Media Definition and the Governance Challenge: An Introduction to the Special Issue. **Telecommunications Policy**, 39 (9), 745° 750.
- Ponniah, R. (2006). **Developing a Contemporary Critique of the Relationship between Public Policy and Racial Integration in Malaysia.** Retrieved in 20 Aug 2016 online from http://www.jpnn.gov.my/kajian_perpaduan
- Qian, H. & Scott, C. R. (2007). Anonymity and Selfdisclosure on Weblogs. **Journal of Computer-Mediated Communication**, 12 (4), 1428-1451.

- Richards, I. A. (1936). **The Philosophy of Rhetoric**. London: Oxford University.
- Scott, J. P. (2000). **Social Network Analysis: A Handbook (2nd edition)**. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Sumner, W.G. (1906). **Folkways: A Study of the Sociological Importance of Usages, Manners, Customs, Mores, and Morals**. Ginn and Company, Boston, MA.
- Tajfel, H. (1978). **Interindividual Behavior an Intergroup Behavior**. London. Academic Press.
- Tajfel, H. & Turner, J. (1979). **An Integrative Theory of Intergroup Conflict**. In W. Austin, & S. Worchel, the Social Psychology of Intergroup Relations, 94-109. Montere: Brooks-Cole.
- Ting- Toomy, S. (1993). **Communicative Resourcefulness: An Identity Negotiation Theory**. In R.L. Wiseman& J.Koester (Eds), Intercultural Communicayion Competence, 72-111. Newbury Park, CA: Sage.
- Weaver, G. R. (1996). **Intercultural Relations: Communication, Identy and Conflict**. New York: Pearson Learning Solutions.